

تأثیر آموزش دینی در مدارس بر کارآمدی تربیت اخلاقی نسل نوجوان

نویسنده: آیدا خشتابه

چکیده

از مهمترین دوره‌های رشد شخصیت انسان، نوجوانی است که در آن بنیان‌های اعتقادی، فکری و اخلاقی فرد شکل و سامان می‌گیرد. مدارس و نظام آموزشی؛ نقش مهمی در هدایت این فرایند تربیتی بر عهده دارند. یکی از ارکان مهم تربیت اسلامی، آموزش دینی است؛ که وظیفه انتقال باورها ارزش‌های دینی و تبدیل آنها به رفتار اخلاقی در نوجوانان را دنبال می‌کند. با توجه به افزایش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی در میان نسل نوجوان، و گسترش فرهنگ‌های غربی بر سبک زندگی آنان، بررسی میزان کارآمدی آموزش دینی در مدارس ضرورت دوچندان می‌یابد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش دینی در مدارس بر کارآمدی تربیت اخلاقی نوجوان است. تربیت اخلاقی، به عنوان عاملی بنیادین در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی نیازمند سازوکارهای تربیتی منسجم است که آموزش دینی؛ یکی از ارکان آن محسوب می‌شود. تمرکز اصلی این مطالعه، بر چهارچوب‌های نظری است که نشان می‌دهد چگونه مفاهیم دینی می‌توانند به صورت بنیادین ارزش‌های اخلاقی را درونی سازی کنند.

کلید واژه: آموزش دینی، تربیت اخلاقی، کارآمدی، مدارس

تربیت اخلاقی نسل نوجوان، یکی از حیاتی‌ترین و مهم‌ترین غدغه‌های نظام آموزشی در جوامع امروز است؛ چرا که اخلاق، زیربنای شکل‌گیری افراد مسئولیت‌پذیر را فراهم می‌آورد. در این میان، آموزش دینی به دلیل برخورداری از غنای محتوایی عمیق جهان‌شناختی، نقشی محوری در این فرایند ایفا می‌کند. با این وجود، درس‌های اخیر، شاهد شکاف میان آموزش مفاهیم دینی در مدارس نوجوانان هستیم. ضرورت پرداختن به این موضوع، از آنجا ناشی می‌شود که شناسایی موانع و ارائه سازوکارهای موثر برای پیوند زدن دانش دینی به عمل اخلاقی، مستقیماً بر کیفیت سرمایه‌های انسانی آینده کشور تاثیر می‌گذارد. آموزش دینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها در مدارس، نقش مهمی در پاسخگویی به نیازهای اخلاقی و فکری نوجوانان دارد. مدرسه، به عنوان محیط رسمی آموزش و تربیت بستر اصلی تحقق این رسالت است که می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح، زمینه پیوند میان آموزش نظری دین و تمرین عملی اخلاق را فراهم سازد. در دنیای معاصر، نیاز به دین و آموزه‌های آن بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود و علاقه به مذهبی که بتواند آرامش روحی و روانی را بر جامعه حاکم کند، هرروز از نقاط سراسر جهان به گوش می‌رسد. با توجه به این نیاز مهم و جهانی، ضرورت دارد که تبلیغ معارف اسلام در حد گسترده تری نسبت به گذشته انجام گیرد؛ که به لطف خداوند ما در این مقاله به این امر مهم، می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

تربیت اخلاقی: تربیت در لغت به معنای پرورش دادن استعدادهای شیء است و رب، که به معنای انشای (رشد دادن) تدریجی شیء است تا اینکه کامل بشود، از آن گرفته شده است. (تحریری، اخلاق بندگی، ص ۱۷۶) اخلاق در لغت، جمع خُلق، به معنای نیرو و اوصاف باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و باطنی می‌توان درک کرد. (همان، ص ۱۶۵)

در اصطلاح تربیت اخلاقی، چگونگی به کارگیری پرورش استعدادها و قوای درونی برای تثبیت و توسعه صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی، نیل به فضایل عالی اخلاقی، دوری از رذایل و نابود کردن آنهاست. (همان، ص ۱۷۶)

کارآمدی تربیتی: کارآمدی در لغت، به معنای کار آزموده، مجرب و اثربخشی در انجام کار است. (معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۹۱۲) و در اصطلاح، کارآمدی تربیتی به میزان تحقق اهداف تربیتی در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراگیران اطلاق می‌شود. به گونه ای که تغییرات مطلوب متناسب با اهداف طراحی شده حاصل شود. (خاکی، ارزشیابی آموزشی، ص ۱۲۳)

آموزش دینی: آموزش در لغت به معنای تعلیم دادن، یاد دادن (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۰۷) و دین، آنچه مربوط به آیین الهی و اعتقادات مذهبی است، گفته می‌شود. (همان، ج ۳، ص ۱۸۹۹) در آموزش دینی در اصطلاح، به معنای فرایند انتقال و درونی سازی معارف اعتقادی، اخلاقی و عبادی دین اسلام به منظور شکل دهی به باورها و رفتار دینی فراگیران است. (باقری نوع پرست، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۵۱) مدرسه: در لغت به معنای جایی که در آن درس دهند (معین، فرهنگ فارسی، ص ۲۷۰۷) و در اصطلاح، نهاد اجتماعی رسمی است که با برنامه آموزشی مشخص به تربیت علمی، اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان در چارچوب ارزش های فرهنگی جامعه می پردازد. (شکوهی، جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص ۶۵)

دین، تنها ضامن اجرای اخلاق

در اینجا به این مطلب می‌رسیم که آیا اخلاق منهای دین می‌تواند وجود داشته باشد یا نه؟ اگر هم بتواند وجود داشته باشد، دین مؤید و نیرو و پشتوانه برای اخلاق می‌شود. بعضیام حتی خود فرهنگی‌ها چنین نظر داده‌اند که اخلاق منهای دین پایه‌ای ندارد داستایوفسکی نویسنده روسی می‌گوید: اگر خدا نباشد همه چیز مباح است. مقصودش این است که هیچ چیز دیگری که بتواند واقعاً مانع انسان از انجام اعمال ضد اخلاقی بشود نیست. او نظریه کانت و دیگران را در این زمینه قبول ندارد و منظورش از (اگر خدا نباشد) (اگر دین نباشد) است. تجربه نشان داده آنجا که دین از اخلاق جدا شده، اخلاق خیلی عقب مانده است. هیچ یک از مکاتب اخلاقی غیر دینی در کار خود موفقیت نیافتند. قدر مسلم این است که دین لااقل به عنوان یک پشتوانه برای اخلاق بشر ضروری است. این است که داد و فریادشان را در این زمینه بلند است- با تعبیرات مختلف- که بشر هر اندازه از لحاظ صنعت و تمدن پیشرفته، از نظر اخلاق عقب مانده است، چرا؟ زیرا مکاتب اخلاقی وجود نداشته. مکاتب اخلاقی که از قدیم بوده بیشتر مذهبی بوده و بس، و به هر نسبت که دین و ایمان ضعیف گردیده عملاً دیده شده است که اخلاق بشر پایین آمده. این است که برای ایمان، لااقل به عنوان پشتوانه برای اخلاق- اگر نگوییم تنها ضامن اجرای آن- باید ارزش فوق العاده قائل باشیم.

(مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۸۳)

رابطه اخلاق و دین

هر مکتبی که درباره جهان و انسان دیدگاهی دارد، قطعاً درباره کیفیت روابط انسان‌ها نیز دیدگاه ویژه خواهد داشت. دین ادعا می‌کند که از عمیق‌ترین دیدگاه‌ها درباره جهان و انسان، ژرف‌ترین رابطه انسان با خالق خود و ظریف‌ترین نحوه روابط در زندگی عملی انسان‌ها برخوردار است. همچنین برترین اوصاف حمیده را، که ممکن است انسان آنها را در روابط گوناگونش با خالق خود و دیگر موجودات به دست آورده باشد، به ارمغان می‌آورد؛ به گونه‌ای که با اندکی تاملی در می‌یابد که به مکتب‌های دیگر نیازی نخواهد داشت؛ بلکه آن مکاتب را نیازمند رجوع به معارف والا و نورانی دین می‌داند.

بنابراین باید برای فراگیری مباحث اخلاقی به دین الهی رجوع کرد. (تحریری، اخلاق بندگی، ص ۱۶۹)

رسیدن به سعادت انسان

هدف علم اخلاق، رساندن جان آدمی به آخرین افق‌های انسانی است که هدف نهایی از خلقت انسان و جهان به شمار می‌آید. در واقع همه شاخه‌های علوم و معارف اسلامی، از اعتقادات تا احکام عملی و از فرامین فردی تا دیدگاه‌های اجتماعی، برای تحقق این هدف شکل گرفته‌اند؛

به همین دلیل نبی اکرم (ص) هدف نهایی رسالت بزرگ خویش را تتمیم مکارم اخلاقی معرفی می‌کند؛ در غیر این صورت فراگیری علوم و توسعه فناوری، ابزاری برای تسهیل و توسعه اقتصاد و گاهی اوقات باعث فساد و تباهی انسان‌ها می‌شود. این جایگاه و اهمیت بی‌مانند ما را و می‌دارد تا اخلاق را بر همه علوم دیگر مقدم داریم؛ تا آنجا که حکیمان پیشین، عنوان علم را فقط برازنده اخلاق می‌دانستند و آن را (اکسیر اعظم) می‌نامند؛ به همین علت اخلاق اولین علمی بود که می‌آموختند و در تدوین و تعلیم آن سعی فراوان می‌کردند. به اعتقاد آنان شیفتگان علم باید اول خود را به زیور فضایل اخلاقی آراسته کنند؛ زیرا تا پیش از آن آموختن علوم دیگر سودی نخواهد داشت؛ بلکه با حال آنان مضر نیز خواهد بود. (همان، ص ۱۷۱-۱۷۰)

نقش الگو در تربیت اخلاقی از منظر آیات قرآن کریم

خداوند در سوره احزاب آیه ۲۱ می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.»

کلمه (أَسْوَةٌ) به معنای اقتداء و پیروی است، و معنای (فِي رَسُولِ اللَّهِ) یعنی در مورد رسول خدا (ص)، و اسوه در مورد رسول خدا (ص)، عبارت است از پیروی او، و اگر تعبیر کرد به ((لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ = شما در مورد رسول خدا (ص) تاسی دارید)) که استقرار و استمرار در گذشته را افاده میکند، برای این است که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است، و شما همیشه باید به آن جناب تاسی کنید.

و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا (ص)، و ایمان آوردن شما، این است که به او تاسی کنید، هم در گفتارش و هم در رفتارش، و شما می بینید که او در راه خدا چه مشقت هایی تحمل میکند، و چگونه در جنگها حاضر شده، آنطور که باید جهاد میکند، شما نیز باید از او پیروی کنید. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۳۲)

بهترین الگو، برای شما نه تنها در این میدان که در تمام زندگی، شخص پیامبر (ص) است، روحیات عالی او، استقامت و شکیبایی او، هوشیاری و درایت، اخلاص و توجه به خدا، تسلط او بر حوادث، و زانو نزدن در برابر سختی ها و مشکلات، هر کدام می تواند الگو و سرمشقی برای همه مسلمین باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۶۱ - ۲۶۰)

اهمیت آموزش دینی در نوجوانی

یکی از مهمترین اسناد دینی درباره اهمیت آموزش دینی به نسل نوجوان، سخن حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه است. امام بزرگوار می فرمایند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ؛ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ، وَيَشْتَغِلَ لُبُّكَ.» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۷۳)

امیرالمؤمنین در این نامه، قلب نوجوان را به زمین آماده تشبیه میکند؛ زمینی که هر بذر اخلاقی و فکری در آن کاشته شود، می پذیرد. این سخن نشان می دهد که نوجوانی، بهترین زمان برای آغاز آموزش تربیت دینی و تربیت اخلاقی است؛ زیرا در این زمان، ساختار ذهن و اعتقاد نوجوان شکل پذیر بوده و ارزش های الهی را زودتر می پذیرد.

و همچنین آموزش دینی، نوجوان را با معنای مسئولیت پذیری آشنا می کند. شاهد روایی که می توان به آن اسناد کرد؛ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ: همه شما سرپرستید و همه در برابر کسانی که تحت مسئولیت شما هستند، پاسخگو می باشید.» (حرالعالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳)

۱- عمل گرایی مربی: چون مبلغ و مدرس مباحث دینی از جایگاه دین سخن می گوید و تدریس می کند، باید در مرحله اول، فردی عمل گرا باشد؛ یعنی ابتدا خود به آنچه می گوید عمل کند، تا بتواند دیگران را به عمل وادارد. افرادی که به گفته خود عمل نمی کنند، در قرآن کریم سوره بقره آیه ۴۴ مذمت شدند:

«تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ (آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید؛ ولی خود را فراموش می کنید؟!)

همچنین قرآن کریم در سوره صف آیه ۲، مبلغ و معلم را از گفتار بدون کردار نهی می کند و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ چرا حرفی می زنید که خودتان به آن عمل نمی کنید؟ (اسماعیلی مبارکه، روش تدریس و کلاس داری

تبلیغی، ص ۳۲-۳۳)

۲- الگو بودن مربی: یکی دیگر از مبانی و عوامل موثر در برقراری ارتباط سالم و حفظ و استمرار آن، توجه به الگو بودن استاد برای شاگردان است. وقتی انسان ها در جریان زندگی، با افرادی که الگو و مروج نیکی ها هستند،

مواجه می شوند و اخلاق ایشان را در شرایط سهل و دشوار می آزمایند، ویژگی های مثبت شخصیت آنان را باور می کنند. اگر انسان کسی را بباید که حقیقتاً اهل عمل و صادق باشد، مریدش می شود و سعی می کند به گونه ای بیندیشد که او دوست دارد و به صورتی رفتار کند که خوشایند او باشد.

کار استاد و مربی دینی تنها انتقال مفاهیم نیست؛ بلکه باید با شاگردان چنان علقه ای برقرار کند که با هم دوست شوند؛ آنها را دوست داشته باشد و به سخنان گوش دهد و همواره آنان را تحمل با عمل خود راهنمایی کند، رفتارشان را اصلاح نموده و در آنها عطش آموختن و و جستجو برای حل مسائل ایجاد نماید. (همان، ص ۳۳)

۳- آراستگی ظاهری مربی: مخاطبان، به پوشش و وضع ظاهری مربی توجه خاص دارند. رعایت ظاهر و پوشش مناسب استاد در شاگردان تاثیر عجیبی دارد، به گونه ای که همین مسئله، باعث افزایش اعتماد آنها به مطالب وی می شود و برعکس، ظاهر نامناسب، از ارزش او نزد شاگردان می کاهد. مثلاً شاگردان از خانم معلم توقع دارند حجاب را رعایت کند و از آقای معلم نیز انتظار دارند ظاهری متین، موجه و اسلامی داشته باشد. این مسئله در روان آنها اثرگذار است و ناخودآگاه از استاد خود الگو می گیرند. (همان، ص ۳۴)

۴- آشنایی کلی با مسائل دینی: مبلغ و مربی، باید با کلیات مسائل دینی آشنایی داشته، از مباحث کلامی و اعتقادی، آیات و روایات، فضایل و رذایل اخلاقی و احکام، آگاهی نسبی داشته باشد و با بصیرت و آگاهی، به تدریس بپردازد.

قرآن کریم در سوره یوسف آیه ۱۰۸ درباره ضرورت بصیرت مربی، امام و پیشوایی که می خواهد عده ای را در مسیر حق راهنمایی کند، می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛ بگو این راه من است، من و پیروانم با بصیرت و آگاهی کامل مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم. (همان، ص ۳۳)

توصیه حضرت امام(ره)، بر لزوم تهذیب نفس در جوانی

از مکاید شیطان این است که انسان را هی توجه می دهد به اینکه خوب حالا که تو جوان هستی، حالا که تو وقت نشاطت است، خوب انشاءالله وقتی پیر شدی، آن وقت جبران می کنی کارها را؛ و این یک امری است که نخواهد شد. انسان اگر در جوانی تهذیب کرد خودش را، شده است.

اگر بگذارد تا به پیرمردی برسد، هم قوای خودش ضعیف می شود و هم آن درختی که در دل انسان شیطان کاشته است قوی می شود، و آن درخت قوی را نمی شود با یک اراده ضعیف انسان بکند. این یک از اموری است که من نگرانم هستم و آقایان هم باید نگران باشند، و در هر جا هستند سفارش کنند به اهل علم و آنها را تحذیر کنند از دنیا. و این خیال نکنید که دنیا عبارت از این طبیعت است، این طبیعت را خدای تبارک و تعالی هیچ از آن تکذیب نکرده، که در روایات تعریف هم از آن شده است، این یکی از مظاهر الهی است. دنیا آنی است که در ما هست که ما را از مبدا کمال دور می کند و به نفس و نفسانیت خودمان مبتلا می کند. دنیای مذموم همین است که انسان توجه داشته باشد ولو به یک تسبیح ولو به یک کتاب. چه بسا که دل بستن یک کسی به یک تسبیح و یک کتابی، به دنیا بیشتر توجه کرده باشد تا دل بستن یک کس دیگری به یک پارکی و باغی و کذا. (سعادت مند، بهار جوانی،

ص ۱۷۲-۱۷۳)

در جوانی به فکر اصلاح خود باش

پسر! تا نعمت جوانی را از دست ندادی کر اصلاح خود باش که در پیری همه چیز را از دست می دهی، یکی از مکاید شیطان که شاید بزرگترین آن باشد که پدرت بدان گرفتار بوده و هست مگر رحمت حق تعالی دستگیر او باشد استدراج است. در عهد نوجوانی شیطان باطن که بزرگترین دشمنان اوست او را از فکر اصلاح خود باز می دارد و امید می دهد که وقت زیاد است، اکنون فصل برخورداری از جوانی است و هر آن و هر ساعت و هر روز که بر انسان می گذرد رجه رجه او را با وعده های پوچ از این فکر باز می دارد تا ایام جوانی را از او بگیرد.

و آنگاه که جوانی رو به اتمام است، او را به امید اصلاح در پیری سرخوش می کند و در ایام پیری نیز این وسوسه شیطانی از او دست نکشد و وعده توبه در آخر عمر می دهد و در آخر عمر و شهود موت، حق تعالی را در نظر او مبعوض ترین موجود جلوه می دهد که محبوب او که دنیا است از دستش گرفته است. این حال اشخاصی است که نور فطرت در آنها بکلی خاموش نشده است و اشخاصی هستند که غرقاب دنیا آنها را از فکر اصلاح به دورنگه داشته و غرور دنیا سر تا پای آنان را فرا گرفته است. من خود چنین اشخاصی را در اهل

علم اصطلاحی دیده‌ام و اکنون بعض آنها در قید حیاتند و ادیان را هیچ و پوچ می‌دانند. (همان، ص ۱۷۳_۱۷۴)

نتیجه گیری

می توان چنین نتیجه گرفت که کارآمدی تربیت اخلاقی نسل نوجوان؛ در گرو، کیفیت ارائه آموزش دینی در مدارس است. به طوری که هرچه آموزش دینی از روش های عقلانی متناسب با اقتضائات سنی نوجوان بهره مند باشد، میزان اثر گذاری بر رشد اخلاقی نوجوان افزایش می یابد. از این رو، ارتقای مهارت های تربیتی معلمان، و توجه به تربیت عملی در کنار آموزش نظری، از ضرورتی انکارناپذیر در نیل به تربیت اخلاقی اثربخش در مدارس محسوب می شود. نسل نوجوان می تواند با الگوپذیری از معصومین، نه از سر اجبار بیرونی؛ بلکه بر پایه وجدان درونی و باور ایمانی به اخلاق پایبند باشد.

۱. قران کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ترجمه تحف العقول عن آل رسول، ترجمه: سیدعلی حسینی، قم: اندیشه مولانا، چاپ اول، ۱۳۹۲ هـ ش
۴. اسماعیلی مبارکه، محمد، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، قم: ذکر، چاپ اول، ۱۳۹۹ هـ ش
۵. باقری نوع پرست، خسرو، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۹ هـ ش
۶. تحریری، محمدباقر، اخلاق بندگی، قم: هاجر، چاپ اول، ۱۴۰۱ هـ ش
۷. خاکی، غلامرضا، ارزشیابی آموزشی، تهران: دانشگاهی، ۱۳۹۰ هـ ش
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سی و هفتم، ۱۳۸۶ هـ ش
۹. سعادت‌مند، رسول، بهار جوانی، قم: تسنیم، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ ش
۱۰. شکوهی، غلامعلی، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: آگاه، ۱۳۸۵ هـ ش
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۸ هـ ش
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: نامن، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ ش
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۶ هـ ش
۱۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، چاپ هشتاد و سوم، ۱۳۹۳ هـ ش